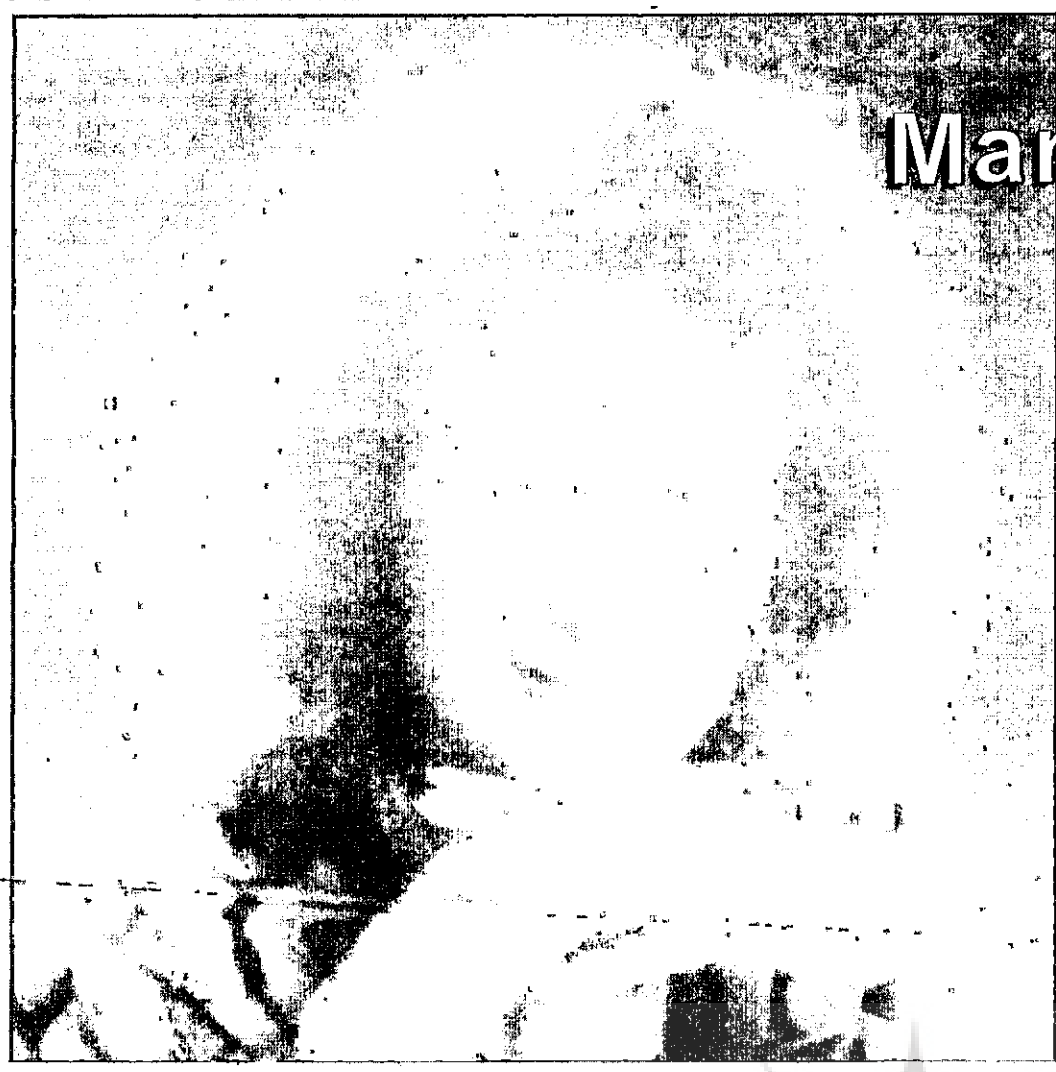

مارگارت ات وود
Margaret Atwood

ترجمه: امیلی امرایی

یکی از معروف‌ترین چهره‌های ادبی امروز کانادا و آمریکای شمالی است که رمان‌ها و داستان‌های کوتاه و شعرهای او مرزهای جغرافیایی زادگاهش را درنوردیده است. ات وود در سال ۱۹۳۹ به دنیا آمده و بیش از سی جلد کتاب دارد که آثارش به بیست و شش زبان از جمله فارسی ترجمه شده است. بسیار سفر کرده است و سال‌هایی را در انگلستان، فرانسه، آلمان، ایتالیا و ایالات متحده گذرانده است. از گرام گیبسون رمان‌نویس، فرزند دختری به اسم جس دارد. مارگارت ات وود با ادبیات ایران آشناست و با بسیاری از نویسندگان ایران مقیم کانادا جلسات بحث و گفتگو و شب شعر و داستان برگزار می کنند.

این عکس من است

چند وقت پیش‌ها گرفتم
اول‌اش فکر می کردم
بی‌رنگ و لعاب ظاهر شده
خطوطی تیره و تار که در هم پیچیده شده
با کاغذ عکس،
بعد، اگر کمی در آن دقیق بشوی،
گوشه چپ آن
چیزی شبیه شاخه؛
قسمتی از یک درخت (درخت صنوبر)
معلوم است،
در قسمت راست‌اش، در نیمه‌های
عکس
به سمت بالا
باید شیبی باشد، آرام، با آلاچیقی
کوچک و چوبی
در فضای زمینه عکس، دریاچه‌یی است
و پشت آن تپه‌های کوتاه
(عکس برای روزی است
که فردای غرق شدن من
گرفته شد!)
من در وسط دریاچه‌ام، وسط عکس
درست زیر سطح عکس
نمی‌توانم دقیقاً بگویم که کجا هستم
یا این که چه اندازه کوچک و بزرگ
هستم
آب خط‌های روشن را
کج و کوله می کند
اما، اگر زمانی طولانی در آن خیره شوید
در انتها
مرا در عکس خواهید دید

باران

پشت پنجره سبز، می‌بارد
تابستان است و پشت آن
درختان و جهان
جهانی که گرد است و تنها رنگ‌های آن
نه رنگ مداد شمعی ست
این است جهانی که
درک‌اش سخت‌تر از تمام چیزهایی است
که درباره‌اش گفته‌ایم
و بسیار وسیع‌تر
تو می توانی همین طور با مداد قرمز نقطه نقطه‌اش بکنی
و بعد با رنگ نارنجی؛ جهان می‌سوزد.

روزی که این حرف‌ها را یاد بگیری
تازه می‌فهمی چیزهای دیگری هم هست
که هیچ گاه نمی‌توان فهمید
واژه دست، بر دست ات شناور می‌شود
مثل تکه ابری بر دریاچه.
دست ات تکه سنگی گرم است
که بین دو واژه قرار داده‌امش
این دست توست، این دست‌های من است،
این تمامت جهان است
جهانی مدور، اما نه مسطح
و آن قدر رنگ به رنگ که همه را نمی‌توان دید
آغازی دارد و پایانی
و این همان است که با آن باز می‌گردی
این دست توست

خورخه کاررا آندراده

ترجمه‌ی: فریده حسن‌زاده (مصطفوی)

JORGE CARRERA ANDRADE

اکوادر
۱۹۰۳-۱۹۷۸

ویلیام کارلوس ویلیامز در مقدمه‌ی منتخب اشعار کاررا آندراده که به سال ۱۹۴۰ منتشر شد نوشت: «در حیرتم چگونه می توان تصویری چنین زلال، چنین دلنشین، از دغدغه‌های فکری اساسی انسان، پدید آورد.»

سپس با شباهت دادن این باریک‌بینی نقاش‌مآبانه، به جهان‌بینی انیمیست‌ها (دارای این باور که کلیه‌ی پدیده‌های طبیعی دارای روح‌اند) ویلیامز نتیجه می گیرد: «چنین تصویری در عین غمناک بودن، بس عظیم است.» کاررا آندراده، بزرگترین شاعر اکوادر، در جوانی به این شفافیت عظیم روحی دست یافت و از همان آغاز، در مقابل مدرنیسم، نیز سنت‌گرایی صرف و پیچیدگی ادبی مقاومت می کرد. او در اشعارش، استعاره‌های ظریف سوررئالیستی به‌کار می‌برد و همین، راه را برای تاثیرپذیری شاعران آمریکای لاتین از سوررئالیسم باز کرد و خود از سرچشمه‌های گوناگونی سیراب شد: شعرهای نثرگونه‌ی نویسنده‌ی فرانسوی، فرانسیس ژامه، اشعار ایماژیست‌های آنگلو - آمریکایی و هایکوهای ژاپنی که وی در مدت اقامت درآسیا به عنوان دیپلمات، با آن‌ها آشنا گشت.

کاررا آندراده برخلاف شعر خود، انسان چندان ساده‌ای نبود. به عنوان شاعر، سیاستمدار و مقاله‌نویسی تاثیرگذار، بسیار فعال بود و نقش بسیار مثبتی در جمهوری اسپانیا در سال‌های دهه‌ی ۳۰ داشت. در مقام دیپلمات، سفرهای متعددی کرد و اکوادر را به کشورهای دیگر شناساند. از مدافعان سرسخت حقوق پایمال شده‌ی ملت آمریکای جنوبی بود.

پایبندی او به ایجاز و شکل بصری اشعارش، انضباط روحی و پیچیدگی ذهنی او را نشان می داد. وی در مورد «شعر واقعی» گفته است: «این چیزی ست که تنها از نبردی سهمگین با فرشته به دست می آید.»

زندگی ساده و خوب

خرگوش! برادر محجوب من! آموزگار فیلسوف من!
از زندگی تو، درس سکوت آموخته‌ام
زیرا تو در خلوت خود به معدن طلا دست یافته‌ای،
و بی‌معناست برای تو گام‌های همیشه شتابان مردم.

جوینده‌ی کوچک و پشمالوی فرزانگی!
تو برگ‌های ساده و خوب کلم را مثل کتابی خواندنی ورق می‌زنی؛
و همچون شمعون مقدس* از دخمه‌ی تاریکت،
تکامل چلچله‌ها را شهادت می‌دهی.

از خدای خوب هیچ نمی‌خواهی جز یک باغ در بهشت،
باغی پر از کلم‌های بلورین تبرک یافته،
چشمه‌ای آب زلال برای پوزه‌ی ظریفت
و پرواز فوجی کبوتر بر فراز سرت.

عطر قداست می‌تراود از حضور مطهرت.
دست رحمت فرانسیس مقدس بر سرت خواهد بود
روز مرگ. و در بهشت
ارواح کودکان، شادمانه بازی خواهند کرد با گوشهای درازت!

* Saint Simeon (انجیل)

از کتاب زیر چاپ شعر آمریکای لاتین نشر ثالث با همکاری مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشتراک

پروین

خوانندگانی که تمایل به دریافت شماره های گذشته ماهنامه پروین دارند، برای دریافت هر شماره مبلغ ۲۰۰ تومان به شماره حساب پس انداز ۷۰۸۰۴ بانک صادرات شعبه ۱۹۹۹ تهران (خیابان پیروزی - خیابان کریمشاهیان) واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با نشانی پستی خود به نشانی تهران صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۹۱۷ ارسال نمایند.

نام..... نام خانوادگی ..... مبلغ قابل پرداخت ..... ریال طی فیش شماره ..... تاریخ .....
اشتراک از شماره
کدپستی..... تلفن..... نشانی.....
.....

جهت اشتراک ماهنامه ادبی پروین برای اشتراک شش شماره مبلغ ۱۲۵۰ تومان و برای اشتراک دوازده شماره مبلغ ۲۵۰۰ تومان را که با احتساب هزینه پست می‌باشد به شماره حساب پس انداز ۷۰۸۰۴ بانک صادرات شعبه ۱۹۹۹ تهران خیابان پیروزی- خیابان کریمشاهیان (همایونشهر) به نام حمید نعمت اله واریز نموده و اصل فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک یا کپی فرم اشتراک به نشانی تهران صندوق پستی ۱۷۱۸۵/۹۱۷ ارسال فرمایید.

مبلغ اشتراک برای مشترکین خارج از کشور برای شش شماره ۶۸۰۰ تومان و برای دوازده شماره ۱۳۵۰۰ تومان می‌باشد.